

> هوالحكيم <

عنوان:

تحليل رجعت عنصرى مادى و فرقى با تناسخ



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

عرض بنده اینه که بینید در تناسخ، اون چیزی که در تفکرات هندوئیسم‌ها مطرح هست این که گاهی اوقات روح وارد بدن انسانی می‌شه بهش می‌گن نسخ؛ گاهی وقت‌ها روح وارد بدن حیوانی می‌شه بهش می‌گن مسخ؛ گاهی وقت‌ها وارد گیاهی می‌شه فسخ؛ و گاهی وقت‌ها وارد بدن سنگی می‌شه می‌گن رسخ. خب این ارواح همین‌طور چرخشی در ابدان مختلف تغییر می‌کنن و جزاء و پاداش خودشون رو در همین دنیا می‌بینن. مثلاً اگر يك انسان خوبی باشه، در دوره‌ی بعدی هم باز در بدن يك انسانی قرار می‌گیره، منتها انسانی که در شرایط زندگی بهتری باشه. یا اگه در دوره‌ی قبل، بد عمل کرده باشه، خب این تنزل نوع پیدا می‌کنه؛ انسان بوده حالا این روحش وارد بدن يك الاغی می‌شه فرض کنید! بدن يك شیری می‌شه، بدن يك گربه‌ای می‌شه؛ خب به این می‌گن مسخ.

باز اگر در دوره‌ای که حیوان بوده درست عمل بکنه، دوباره وارد بدن انسانی می‌شه نسخ؛ اگر در همون دوره‌ی حیوانی خودش بد عمل بکنه باز وارد بدن گیاهی می‌شه؛ اگه در گیاهی خودش بد عمل بکنه وارد بدن سنگی می‌شه؛ این ارواح به همین صورت به چرخش هستند! این چیزی هست که تناسخ داره می‌گه. یعنی نه اعتقادی به معاد داره، نه اعتقادی به قیامت داره و نه جهان آخرت! هیچ‌کدوم از این‌ها رو قبول نداره! این تناسخی هست که در زمان حضرات معصومین که مطرح بوده، مقابله کردن که احادیثی هست در این خصوص، در مقابل معادی هست که اسلام معرفی می‌کنه، و خب این تناسخ تکلیفش مشخص هست. اما حالا ببینید این رجعت چه اتفاقی می‌افته؟ در رجعت این روح منتقل می‌شه به عالم برزخ در ارتباط با بدن مثالی؛ حالا یا این بدن مثالی الآن در جوف این بدن عنصری و مادی هست، یا نه! وقتی تعلقش رو از این بدن عنصری و مادی قطع می‌شه، تعلق پیدا می‌کنه به یک بدن مثالی. چرا می‌گن بدن مثالی؟

چون شبیه همین هست، منتها با رقت خاص خودش به تناسب عالم برزخ، شبیه اون هست. یعنی مثلاً من ایشون رو که دارم می بینم، این جناب حسین آقا که الان دارم می بینم، در برزخ هم ایشون رو حسین آقا می بینم، می گم حسین آقا سلام علیکم! یعنی همینه! منتها به تناسب عالم برزخ، رقت خاص خودش رو داره! لذا می گن بدن مثالی؛ یعنی مثل این هست، شبیه این هست، اما به تناسب رقت؛ این نیست، این بدن عنصری و مادی نیست. ببینید در این دنیا این روح گرفته می شه، می ره در اون جا تعلق می گیره به بدن مثالی، یا بدن مثالی در جوف همین بدن هست، این روح و بدن مثالی هر دو تا می رن در عالم برزخ. در مسأله‌ی رجعت چه اتفاقی می افته؟ مسأله‌ی رجعت مثل مسأله‌ی قیامت هست؛

همین‌طور که در مسأله‌ی قیامت، این بدن که پوسیده شده، خاک شده، تجزیه شده، این بدن رو خداوند متعال از همین ماده‌ی اصلی این بدن جمع می‌کنه، بدن جدیدی از همون ماده‌ی بدن قبلی، روح بهش تعلق پیدا می‌کنه؛ حشر اتفاق می‌افته. تعبیری که امام صادق دارن این هست؛ حضرت می‌فرمایند مثل این می‌مونه يك خشت گلی داری، این خشت گلی که داری خردش کن، دوباره با آب مثلاً ممزوجش بکنی ازش يك خشت دیگه‌ای درست بکنی. به يك اعتباری می‌تونی بگی اون هست، به خاطر این‌که ماده‌ای از جای دیگه نیاوردی از همون ماده‌ست! به يك اعتباری می‌تونی بگی اون نیست چون هیئت اولی تغییر پیدا کرده؛ هیئت اولی شده هیئت دومی شده، اما ماده همونه. لذا می‌گن عین همین بدن یعنی بله از همین ماده‌ی همین بدن در نظر گرفته می‌شه، از يك عالم دیگه‌ای نیست! حالا در مسأله‌ی رجعت هم عیناً همین اتفاق می‌افته!

ببینید در این روایتی که در کتاب رجعت مرحوم علامه‌ی
مجلسی خوندیدم، می‌گن ده روز بارون میاد. حالا این بارونی
هست که گفتم حرکت حضرت يك حرکت اعجازآمیز
هست، بحث رجعت هم اعجازآمیز هست! چون ببینید
اعجاز يك چیزی که خلاف عادت باشه دیگه! به صورت
متعارف، زنده مرده نمی‌شه! اما اگر خداوند بخواد کما این که
اعجاز رو به دست انبیاء داده، کار خلاف عادت دارن انجام
می‌دن، خارق‌العاده دارن انجام می‌دن، اون کسی که مدعی
اون مقام حجّت‌اللهی هست، خب این در مسأله‌ی رجعت
هم يك اعجاز هست، قدرت هم تعلق پیدا می‌کنه. حالا این
بارون میاد اصلاً بارون هم نیاد آنی بخواد باشه، گیری نداره!
می‌خوام بگم قدرت خدا تعلق پیدا نمی‌کنه از همین بدنی که
متلاشی شده، انا این‌ها جمع بشه تبدیل به يك گوشت بشه،
پوست بشه، خون بشه، رگ‌ها و عصب‌ها بشه؟!!

گیری نداره رو این مسأله! یعنی يك امر محالی نیست
که بگیم قدرت خدا بر امر محال تعلق نمی‌گیره، مثل این
می‌مونه زمین رو داخل اون تخم مرغی قرار بده بدون این‌که
هیچ کدوم تغییر نکنه! امر محالی نیست صورت می‌گیره!
حالا در رجعت از همین ماده این‌ها جمع می‌شه، اون
روحي که در عالم برزخ هست، همراه بدن مثالی گیر نداره،
با همون بدن مثالی در جوف این بدن عنصری و مادی قرار
می‌گیره. مثل همین الان، مثل الآن که زنده هستیم روح
خارج می‌شه، دوباره سر جاش قرار می‌گیره، بدنی حاضر
می‌شه.

مگه در ماجرای حضرت آدم غیر از این بود؟ حضرت آدم آمدن از همین گل، ملائکه در زمین آمدن گلی رو برداشتن، به اذن الله اینها سرشته شد، گوشت و پوست و به همین صورت بدن ما شد، «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»؛ خداوند روحی رو خلق کرد از باب شرافت به خودش نسبت داد، این رو در بطن و کتم و جوف این بدن عنصری و مادی قرار داد؛ آدم این گونه شد! در مسأله‌ی رجعت هم این بدن‌ها تر و تازه آماده می‌شه، چه اون کسی که ماحض کفر هست، چه ماحض ایمان هست، روح از عالم برزخ، حالا چه همراه بدن مثالی یا بدن مثالی هم کنار بزنه، تعلق می‌گیره به این بدن عنصری و مادی! مثل همون وقتی که بودن در خدمت ولی عصر قرار می‌گیرن. یا اون افرادی که از بدان بودن ماحض کفر بودن، مجازات می‌شن در این زمینه. پس این تناسخ، اون تناسخ نیست! اصلاً يك فضای دیگه‌ای هست! تناسخ در مقابل معاد هست، مقابل برزخ هست، این چنین چیزی نیست!